

## مسابقه کتابخوانی در سایه سار کوثر

عزیزانی که به همه سوالات مسابقه صحیح و خوانا تا تاریخ ۲۶ اسفند پاسخ دهند و پاسخ های خود

را به واحد فرهنگی یا به ایمیل [mim.maryammoghimi@yahoo.com](mailto:mim.maryammoghimi@yahoo.com) بفرستند

به قید قرعه از جوایز فرهنگی برخوردار خواهند شد.

### سوالات:

۱- در خطبه فدکیه ، حضرت زهرا (س) چه عللی را به عنوان دلیل برای گزینش پیامبر اکرم (ص) به رسالت ذکر می کنند ؟

۲- به فرموده حضرت زهرا (س) بوسیله قرآن ، انسان میتواند به چه چیزهایی دست یابد ؟

۳- طبق سخنان حضرت زهرا (س) ، فلسفه ایمان ، نماز ، زکات ، روزه ، حج ، اطاعت از اهل بیت ، جهاد ، صبر ، امر به معروف ونهی از منکر ، چیست ؟

۴- حضرت فاطمه چه عاملی را باعث طولانی شدن عمر و چه چیزی را برای پاکدامنی لازم می شمرد ؟

۵- طبق فرمایش ایشان ، چه موقع علائم نفاق در میان مردم ظاهر گشت وجامه دین کهنه و سکوت گمراهان شکسته شد ؟

۶- حضرت زهرا (س) برای بیان حقانیت ارثیه خود از پیامبر اکرم (ص) چه ادله ای را مطرح می کنند ؟

۷- حضرت زهرا (س) شتر خلافت را چگونه توصیف می کنند ؟

خطبه فدکیه در ادامه است...

## خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا (س) بعد از غصب فدک

روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیهاالسلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در حالی که چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد به سختی به جنبش درآمد.

سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود: حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگزاری آنها نعمتها را زیاده گردانند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرمی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمتمش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر، و کوشش‌کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید. و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته. و در پیشگاه آتشیهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده. و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را روشن. و مشکلات قلبها را برطرف. و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت. و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید. و بینایشان کرده. و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده. و به راه راست دعوت نمود.



تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند. فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل. پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده. و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته. و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته. و در جوار رحمت او قرار دارد. پس درود خدا بر پدرم. پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد. و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود :

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او. و حاملان دین و وحی او. و امینهای خدا بر یکدیگر. و مبلغان او بسوی امتها. زمامدار حق در میان شما بوده. و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی شما فرستاده. و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده. و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است. که بیان و حجت‌های آن روشن. اسرار باطنی آن آشکار. ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد. پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده. و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد. و شنیدن آن راه نجات است.

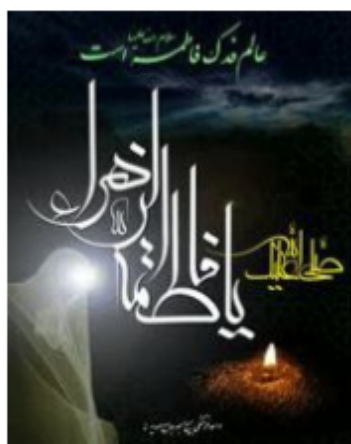
بوسیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی. و واجباتی که تفسیر شده. و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده. و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش. و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد. و کشیدن آن سهل گردد. پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده. و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید. و برای اجابت ندای شیطان. و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا. و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید.

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک. و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر. و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی. و روزه را برای تثبیت اخلاص. و حج را برای استحکام دین. و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها. و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن دین و آیین. و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه. و جهاد را برای عزت اسلام. و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد.

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه. و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی. و صلّه ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت. و قصاص را وسیله حفظ خونها. و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن. و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم فروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند .



پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خدا می ترسند .

آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است .

پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسر عمومی من است .

چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم، رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرقیان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند .

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند .

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه های تان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده اید

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش زنه ای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید .

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامه ای بود که شما در آسایش زندگی

می‌کردید، در مهد امن منتعم بودید، و در انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید .

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان پیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید .

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است .

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود .

اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد. چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زبان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند.

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برآن و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم .

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم .

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویید: **((وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ)) (1)** سلیمان از داود ارث برد، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: **((فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)) (2)** پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برده، و فرمود: **((أَوَّلُوا الْأَرْحَامِ بَغْضَهُمْ أَوْلَىٰ بِبَغْضِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، (3)** و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند، و فرموده: **((يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ)) (4)** اخدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است، و می‌فرماید: **((إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ**



**لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)) (5)** هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران))

شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک دآوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود :

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد.

آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: **((وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ)) (6)**

((محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد بخدا زبانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.))

پس خلافت را بپذیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است، آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت،

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید. و دارای انجمن و اجتماعید. صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید. و دارای نفرات و ذخیره‌اید. و دارای ابزار و قوه‌اید. نزد شما اسلحه و زره و سپر هست. صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید. و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید. در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید. و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده. و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید. و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید. همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار. تا آسیای اسلام به گردش افتاد. و پستان روزگار به شیر آمد. و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده. و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد. و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت. و نظام دین کاملاً ردیف شد. پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده. و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید. و بعد از پیشقدمی عقب نشستید. و بعد ایمان شرک آوردید.



وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند. و خواستند پیامبر را اخراج کنند. با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند. آیا از آنان هراس دارید در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید. اگر مؤمنید.

آگاه باشید می‌بینم که به تن‌آسانی جاودانه دل داده. و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید. با راحت‌طلبی خلوت کرده. و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید. در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید. و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند. پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید. خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود. به سستی پدید آمده در اخلاق شما. و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما. و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین. و بیرون ریختن خشم و غضب است. و آنچه قابل تحمل نیست. و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان. پس خلافت را بپذیرید. ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است. و پای آن سوراخ و تاول‌دار. عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد. و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته. و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت. و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد. پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم. و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

و خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد. و مقادیری که در ارث تعیین فرمود. و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد. توضیحات کافی داده. که بهانه‌های اهل باطل. و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است. نه چنین است. بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده.

آنگاه ابوبکر پاسخ داد :

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگووار و رئوف و رحیم. و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود. اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو. و در میان دوستان برادر شوهر توست. که وی را بر هر دوستی برتری داد. و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود. جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند. و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نخواهد گردید .



و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گویم، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: اما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید .»

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزد، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، تویی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید:- زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که» -از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «اسلیمان از داود ارث برد .»

و خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرّق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند .

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما .

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .

ابوبکر گفت :

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این



حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند .

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود :

ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فرا گرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند .

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود :

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد .

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند .

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما .

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد .

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید .

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد .

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد .

از فاطمه الزهرا سلام الله علیها نقل شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی بن من گذشت؛ در حالی که در خواب صبح گاهی بودم،

مرا بیدار کردند و فرمودند:

دخترم! این خیز شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش؛ زیرا که خداوند روزی

های مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم میکند .

فدک از دیدگاه امام کاظم علیه السلام:

روزی هارون الرشید به موسی بن جعفر علیه السلام گفت: «فدک را پس بگیرد تا بنی عباس به اهل بیت رسول

خدا بدهکاری ظاهری هم نداشته باشد.»

امام فرمود: «من فدک را تمام و کمال پس می‌گیرم، نه ناقص و نیم‌بند.»

هارون گفت: «بسیار خوب. مرزهای فدک را بیان کنید تا بگویم تحویل دهند.»

امام فرمود: «اگر مرزهای آن را مشخص کنم، تحویل نخواهی داد.»

هارون گفت: «قسم به جدت رسول خدا، فدک را تمام و کمال واگذار می‌کنم.»

امام مرزهای فدک را مرزهای جهان اسلام معرفی کرد و فرمود: مرز اول، سرزمین عدن است (شهری بر لبه

خلیج عدن که در کناره دریای عمان و پائین بحر احمر واقع است). مرز دوم فدک سمرقند است. (شهری که

در منطقه آسیای میانه (ازبکستان فعلی) قرار دارد). مرز سوم فدک آفریقا است و مرز چهارم فدک "سیف

البحر". (در کنار دریا و منطقه ارمینیه واقع در بالای حاشیه شمالی ایران)»

هارون گفت: «تو که چیزی برای ما باقی نگذاشتی! پس تو بیا جای من بنشین!»

امام فرمود: «من که گفته بودم اگر حدود فدک را مشخص کنم، پس نخواهی داد!»

پس از این گفت‌وگو بود که هارون فهمید امام همچنان در اندیشه‌ی نجات جهان اسلام از زیر سیطره‌ی

خلافت غاصبانه است و در صورت امکان همان شیوه‌ی سیاسی مادرش حضرت زهرا سلام اله علیها و پدرش را

در پیش می‌گیرد. به همین جهت او را به شهادت رساند.

توضیح: مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها در پس گرفتن فدک دو جنبه دارد: جنبه‌ی ظاهری و باطنی.

جنبه‌ی ظاهری، همان بازپس گرفتن فدک است و جنبه‌ی باطنی احقاق حق امت و بازگرداندن رهبری جهان

اسلام به پذیرش امامت امیرالمومنین علیه السلام است. از این رو مرزهای سیاسی فدک از مرزهای طبیعی و

جغرافیایی اش جدا می‌شود.

و من الله توفیق

امور فرهنگی